

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی

عبدالعلی توجهی*

هاله کریمیان**

چکیده

از جمله مسائل مرتبط با مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن آن، مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری است که قانون‌گذار در ماده 142 قانون مجازات اسلامی 1392 از آن تحت عنوان «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری» یاد کرده است؛ بدین معنا که مسئولیت کیفری متوجه شخصی می‌گردد که دخالتی در ارتکاب جرم نداشته است اما به دلیل وجود شرایطی خاص بنابر صلاحدید قانون‌گذار، مسئول شناخته شده و مجازات می‌گردد. تا قبل از تصویب این قانون مصادیق این مسئولیت به طور پراکنده در برخی از قوانین مورد اشاره قرار گرفته بود. در اسناد بین‌المللی نیز، مفهومی تحت عنوان مسئولیت کیفری مقامات مافوق (فرماندهی) وجود دارد که به موجب آن فرماندهان نظامی یا مقامات مافوق در قبال جرایمی که توسط نیروهای تحت فرماندهی یا کنترل آنها ارتکاب یافته است در صورتی که کنترل لازم را نسبت به زیردستان خود اعمال نکرده باشند، مسئول شناخته می‌شوند. مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان یکی از موضوعات مهم حقوق جزای بین‌الملل به شمار می‌آید. در خصوص توجیه تحمیل مسئولیت کیفری به مقامات مافوق دلایل متعددی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این دلایل مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری است. بر همین اساس مطالعه جداگانه هر یک از این مفاهیم و شناسایی رابطه میان آنها حائز اهمیت است که در نوشتار حاضر، از طریق مطالعه مبانی نظری و رجوع به قوانین و متون اسناد و مدارک، بدان‌ها پرداخته شده است. بنا بر نتایج به

Atavajohi@yahoo.com

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه شاهد

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،

پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی (نویسنده مسئول)

Hhkarimian@gmail.com

تاریخ پذیرش: 96/02/18

تاریخ دریافت: 94/10/30

دست آمده در این پژوهش، مسئولیت کیفری مقامات مافوق را تا حدودی می‌توان
مشابه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی دانست.

کلیدواژه‌ها: اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، اصل شخصی بودن مجازات‌ها،
مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، مسئولیت کیفری مقامات مافوق.

Archive of SID

مسئولیت کیفری، به عنوان حلقه رابط میان جرم و مجازات، یکی از موضوعات اساسی حقوق جزا به شمار می‌رود. ارتکاب جرم در شرایطی که قابلیت انتساب به مرتکب را داشته باشد، موجب استقرار مسئولیت کیفری و مجازات خواهد شد؛ مگر آنکه مجرم به دلایلی قادر به تحمل مسئولیت جزایی نباشد. قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، اگر چه تعریفی از مسئولیت کیفری ارائه ننموده لیکن در بخش چهارم خود از ماده 140 تا 159، شرایط و موانع مسئولیت کیفری را احصا کرده و احکام هر یک را بیان داشته است؛ این در حالی است که در قانون قبلی مجازات اسلامی مصوب 1370 چنین تفکیکی وجود نداشت.

به موجب اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری که قانون‌گذار در ماده 141 قانون مجازات اسلامی 1392 به صراحت مطرح کرده است، نمی‌توان هیچ کس را برای فعل یا ترک فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. در ارتباط با مسئولیت کیفری، علاوه بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، موضوع دیگری تحت عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر قابلیت طرح و بررسی می‌یابد که در تأسیسات حقوقی کشورهای دنیا امری شناخته‌شده و حائز اهمیت است. به عنوان مثال در مورد حقوق انگلستان^۱ می‌توان به قضیه کوپن علیه مور^۲ و همچنین بخش ۲۴ قانون داروسازی و سموم، مصوب ۱۹۳۳ اشاره کرد. علاوه بر این، می‌توان گفت که در برخی از اسناد بین‌المللی نیز این مسأله مورد اشاره قرار گرفته است. در این نوشتار سعی در شناسایی مفهوم، مبانی و شرایط این مسئولیت و بررسی آن از دیدگاه حقوق کشور ایران (با تمرکز بر قانون مجازات اسلامی 1392) و همچنین اسناد بین‌المللی (به طور همزمان) شده است.

پرسش اصلی که در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مطرح می‌گردد این است که ماهیت حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری چیست و اینکه چرا قانون‌گذار چنین نهادی را تأسیس کرده و چه مصالحی در وضع این نهاد مدنظر بوده است؟ چنین به نظر می‌رسد که مصلحت قانون‌گذار از وضع این نهاد، القاء مسئولیت نظارت بر شخص مافوق بوده است.

در این راستا با پرسش‌های دیگری نیز روبرو هستیم، از قبیل اینکه مبانی وجود مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری کدام است؟ مهم‌ترین شرایط مسئولیت کیفری

1. Common law
2. Coppen v. moore

ناشی از رفتار دیگری چیست؟ نقاط ضعف و قوت قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی در شناسایی و بررسی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری مقامات مافوق کدام است؟ و اینکه عملکرد قانون‌گذار در قوانین داخلی تا چه حد منطبق بر اسناد بین‌المللی است؟ هدف از انجام این تحقیق دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها و آثار مترتب بر آنها می‌باشد.

1. مفهوم‌شناسی

1-1. ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری

مقام مافوق

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار مجرمانه دیگری، از جمله مهم‌ترین مسائل مرتبط با مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. این قسم از مسئولیت علاوه بر جرایم ناشی از فعل در قبال جرایم ناشی از ترک فعل نیز قابل تصور است، لذا به کار بردن واژه «رفتار» در رابطه با مسئولیت مزبور صحیح‌تر است، همچنین شخص مسئول در قبال رفتار مجرمانه دیگری می‌تواند شخص حقیقی یا شخص حقوقی باشد که چنین مفهومی را از ماده 142 قانون مجازات اسلامی که از واژه شخص (به طور عام) در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری استفاده نموده است نیز می‌توان برداشت کرد. اگرچه مسئول کیفری شناختن شخص حقوقی به علت رفتار دیگری، در میان حقوق‌دانان مورد اختلاف است. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در قبال رفتار مجرمانه دیگری محوریت بحث در حقوق داخلی قرار گرفته است.

در حقوق مدنی کشورمان گاه افرادی که شخصاً مرتکب فعل یا ترک فعل زیان‌بار نشده‌اند، مسئول جبران خساراتی شناخته می‌شوند که در اثر رفتار زیان‌بار دیگری حاصل شده است. مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری در قانون مسئولیت مدنی مصوب 1339 به صراحت آمده است. به عنوان مثال ماده 7 این قانون در رابطه با مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان صغار و مجانین بیان می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد ...». همان‌گونه که مشاهده می‌گردد مطابق این ماده، وظیفه نگاهداری یا مراقبت از مجنون یا صغیر ممکن است ناشی از حکم قانون از قبیل وظیفه‌ای که پدر و مادر بر عهده دارند یا به موجب قرارداد بر عهده شخص قرار گیرد، از قبیل مربی و آموزگار و تیمارستان.¹

1. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ دوم، نشر میزان، 1394، ص. 192.

ماده ۱۲ همین قانون نیز در خصوص مسئولیت کارفرمایان مقرر می‌دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است ...».

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان^۱ «مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری را می‌توان بر دو نوع تقسیم کرد: مسئولیت ناشی از فعل غیر بر اساس قواعد عام و مسئولیت ناشی از فعل غیر بر اساس ماده 12 قانون مسئولیت مدنی به عنوان قاعده‌ای خاص با این توضیح که مسئولیت کارفرما در قبال خساراتی که کارگران وی به دیگران وارد می‌آورند، بدون داشتن تکلیف کارفرما نسبت به کارگر، بر مبنای مصلحتی است که مد نظر قانون‌گذار بوده است. بنابراین جنبه استثنایی و خلاف قاعده دارد و قابل تعمیم به موارد مشابه نیست. در مقابل، براساس قواعد عام مسئولیت مدنی، گاه می‌توان شخصی را مسئول فعل دیگری دانست. این مسئولیت وقتی مطرح می‌شود که بتوان در ارتباط شخصی با دیگری تکلیفی اعم از فعل یا ترک فعل برقرار نمود.^۲

نظر به اینکه در حقوق داخلی، مسئولیت ناشی از رفتار دیگری ابتدا در حقوق مدنی مطرح گردیده و پس از آن به حقوق کیفری راه یافته است، بنابراین پرداختن به ماهیت این مسئولیت پیش از ورود به ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ضروری به نظر می‌رسید. در ادامه ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار مجرمانه دیگری مورد توجه قرار گرفته است.

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، بدین معناست که مسئولیت کیفری متوجه کسی می‌شود که نه تنها مرتکب جرم نشده، بلکه در ارتکاب آن نیز دخالتی نداشته است. اما به دلیل سیاست جنایی خاص، آثار مسئولیت کیفری و به تبع آن مجازات ناشی از رفتار دیگری را باید تحمل کند. شاید بتوان چنین تلقی کرد که منظور از سیاست جنایی خاص، القاء مسئولیت نظارت بر شخص مافوق است.

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران برای نخستین بار، در ماده 142 قانون مجازات اسلامی 1392 به طور صریح مورد اشاره قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که پیش از این قانون در قوانین دیگری نیز، به مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری پرداخته شده بود.^۳ لیکن در قوانین مذکور تنها مصادیق این قسم از

1. همان، ص. 191.

2. رجوع شود به ماده 7 قانون مسئولیت مدنی.

3. به عنوان مثال می‌توان قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی 1364 (تبصره 2 ماده 3)، قانون کار 1369 (مواد 91 و 95) و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز 1392 اشاره کرد.

مسئولیت مورد اشاره قرار گرفته، حال آنکه قانون مجازات 1392 به طور مستقیم و اساسی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را مورد بررسی قرار داده است. البته بهتر آن بود که در قانون مجازات نیز جدای از ماده 142 مصدافی برای مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگریدر نظر گرفته می‌شد.

در ماده 142 قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.»

در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، با دو شخص روبرو هستیم. یک شخص همان مباشر جرم است که از وی تحت عنوان «دیگری» یاد شده است و شخص دیگر مسئول کیفری به خاطر رفتار دیگری. نکته حائز اهمیت در رابطه با مسئولیت کیفری شخص حقیقی به علت رفتار دیگری این است که رفتار مجرمانه غیر باید تخلف از مقرراتی باشد که مسئول کیفری ملزم به رعایت و اجرای آن بوده است. بدین معنا که مقررات مذکور تکالیفی را برای کارفرمایان و مدیران مسئول در نظر می‌گیرند که آنها ملزم به رعایت این تکالیف هستند. حال چنانچه وظیفه محوله به نحوی با امور کارگاه یا مؤسسه تحت نظارت آنان مرتبط باشد، در صورت تخلف زبردستان از مقررات مربوطه، مسئولیت کیفری این افراد (کارفرما یا مدیر مؤسسه و ...) به دلیل این که فرض می‌شود آنها از وظیفه خود مبنی بر نظارت کوتاهی کرده‌اند، ثابت است. البته لازم به ذکر است که ثابت بودن مسئولیت کیفری اشخاص مذکور، خدشه‌ای بر مسئولیت مباشر جرم - که از وی تحت عنوان دیگری یاد می‌شود - وارد نمی‌سازد.

در اسناد بین‌المللی (مانند ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، صراحتاً مورد اشاره قرار نگرفته است بلکه عنوان مسئولیت کیفری مقامات مافوق (فرماندهی) به چشم می‌خورد که ممکن است تا حدودی تداعی‌کننده مفهوم مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر باشد. لذا جهت آشنایی بیشتر با این نوع مسئولیت، بررسی ماهیت آن در کنار ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری امری مهم به نظر می‌رسد.

مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه مأموران زبردستان، یکی از موضوعات مهم حقوق جزای بین‌الملل می‌باشد که گاهی در پرونده‌های مطروحه در محاکم کیفری بین‌المللی هم مورد بحث واقع گردیده است. به عنوان مثال با توجه به رویه عملی دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان به پرونده یاماشیتا¹ اشاره کرد که مربوط به

1. The Yamashita case

محاکمه ژنرال یاماشیتا در مقابل کمیسیون نظامی آمریکا در مانیل بود. به موجب این پرونده کمیسیون اعلام کرد که ژنرال یاماشیتا، فرمانده عالی نظامی (منطقه) فیلیپین در طول اشغال از سوی ژاپن، باید در قبال جرایم بی‌شماری که توسط نیروهای تحت فرمانش در سرزمین فیلیپین اشغالی صورت گرفته، مسئول شناخته شود.¹

در یکی از تعاریفی که از مسئولیت مقام مافوق ارائه گردیده آمده است: «مسئولیت مقام مافوق، گونه‌ای از مسئولیت غیرمستقیم است که در آن مسئولیت کیفری مافوق به علت رفتارهای مجرمانه‌ای که در ارتکاب آنها به نحوی دخالت داشته است (به عنوان مثال آن رفتار را برنامه ریزی کرده، یا دستور ارتکاب آن را داده و یا در ارتکاب آن رفتار شریک بوده است) نمی‌باشد، بلکه در ارتباط با رفتارهای مجرمانه‌ای که از سوی زیردستانش ارتکاب می‌یابد، واجد مسئولیت کیفری شناخته می‌شود. با وجود این، فرض اینکه مقام مافوق تنها به دلیل رفتار مجرمانه زیردستانش است که مسئول دانسته می‌شود، اشتباه است؛ بلکه مسئولیت مافوق از کوتاهی او مبنی بر منع یا مجازات رفتارهای مجرمانه زیردستانش نشأت می‌گیرد.²

به عبارت دیگر با اتکا به این تعریف و همچنین اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه می‌توان گفت که مسئولیت کیفری مقامات مافوق، که بعضاً از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری فرماندهان نیز یاد می‌شود، عموماً ناظر به مواردی است که در آن، افرادی که در موقعیت فرماندهی قرار دارند، به این امر که جرمی ارتکاب یافته یا در آینده ارتکاب خواهد یافت، واقف هستند اما علی‌رغم این آگاهی و همچنین علی‌رغم داشتن توانایی نسبت به جلوگیری یا ممانعت زیردستان خود از ارتکاب جرم یا مجازات آنها، در انجام این وظیفه کوتاهی می‌نمایند، بنابراین دارای مسئولیت کیفری شناخته می‌شوند. این قسم از مسئولیت غالباً در رابطه با جرایمی که در زمان جنگ رخ می‌دهند، قابلیت طرح می‌یابد. قابل ذکر است که در ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری فرماندهان نظامی و سایر افراد مافوق مورد تفکیک قرار گرفته‌اند. در بند نخست این ماده مسئولیت کیفری «فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام می‌دهد» مورد بحث قرار گرفته است. بند دوم ماده مذکور نیز به روابط بین «مقامات مافوق و افراد زیردست که در بند یک نیامده است» اختصاص یافته است.

1. See Yamashita Case. The trial of general Yamashita before U.S. Military Commission (oct.7. Dec. 1945)
2. Vark, Rene, Superior Responsibility, Article in the ENDC Proceedings, vol. 15, 2012, p. 88.

بنابر گفته یکی از اساتید حقوق در این ماده، معیارهای جداگانه‌ای برای مسئول شناخته شدن فرماندهان نظامی و مقامات مافوق در نظر گرفته شده است. مقام نظامی مافوق در صورتی مسئولیت خواهد داشت که نسبت به ارتکاب جرم از سوی زیردستان مطلع بوده یا باید اطلاع می‌داشته است، در حالی که مقام مافوق غیرنظامی باید می‌دانسته که افراد تحت امر او مرتکب جرم می‌شوند و یا از اطلاعاتی که به وضوح دلالت بر چنین امری داشته است به طور آگاهانه غمض عین کرده باشد. به عبارت دیگر، برای مسئول دانستن مقام مافوق مطابق این ماده، صرف احراز آنچه که در نظر عرف مسامحه محسوب می‌شود، کفایت می‌کند. در حالی که در مورد مقام غیرنظامی، معیار سخت‌تری، که همانا اثبات علم واقعی یا اعتباری وی نسبت به موضوع است، به کار گرفته می‌شود.¹

مسئولیت مقامات مافوق، دارای دو مفهوم مختلف مسئولیت کیفری است. اول، مسئولیت مستقیم فرمانده در قبال دستوراتی که به طور غیرقانونی صادر می‌کند. دوم، مسئولیت کیفری انتسابی در قبال رفتار غیرقانونی زیردست که لزوماً مبتنی بر کوتاهی مافوق از انجام عمل در این موارد است: 1- جلوگیری از یک رفتار غیرقانونی خاص؛ 2- فراهم کردن اقدامات کلی احتمالی برای جلوگیری یا منع رفتار غیرقانونی؛ 3- تحقیق نسبت به رفتارهای غیرقانونی.²

با بررسی اسناد بین‌المللی در می‌یابیم که از بین دو مفهوم ذکرشده، مفهوم دوم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشاره کرد که مقرر می‌دارد فرماندهان نظامی و مقامات غیرنظامی در قبال جرایمی که در صلاحیت دیوان است و از سوی نیروهایی که تحت فرماندهی و کنترل مؤثر آنان است ارتکاب می‌یابد، از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شوند. در این نوشتار نیز مفهوم دوم مورد توجه قرار گرفته است. رویه عملی دادگاه کیفری بین‌المللی³ در زمینه تشخیص مفهوم مسئولیت مقام مافوق بر توجه به نقش فرماندهان از دیدگاه جنگجویان (زیردستان) تأکید دارد.⁴

1. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، 1390، ص. 217.

2. Bassiouni, Cherif, Crimes against Humanity in International Criminal Law, Kluwer Law International, 2010, p. 419.

3. The Practical Jurisdiction of the International Criminal Court

4. Akande, Dapo, the Jurisdiction of the International criminal court over nationals of non- parties: legal basis and limits, Journal of International Criminal Justice, vol. 1, 2003.

از مجموع مطالب گفته شده پیرامون ماهیت مسئولیت‌های مذکور، چنین بر می‌آید که مسئولیت ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی دارای یک مفهوم کلی است که هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را شامل می‌شود. به عبارت دیگر رفتاری که منجر به مسئولیت مدنی یا کیفری شخص مسئول می‌شود اعم است از رفتار زیان‌بار یا رفتار مجرمانه؛ حال آنکه ماهیت مسئولیت مافوق به علت رفتار مأمور مادون، از آنجایی که در رابطه با جرایمی که در زمان جنگ به وقوع پیوسته‌اند، مطرح می‌گردد بیشتر ناظر بر مسئولیت کیفری مقام مافوق در قبال رفتار مجرمانه زبردست است. بنابراین می‌توان گفت که هر چند ممکن است مسئولیت کیفری مقام مافوق به علت رفتار مأمور زبردست را تا حدودی شبیه به مسئولیت ناشی از فعل غیر دانست، لیکن هر یک از این مفاهیم دارای ماهیتی خاص و متمایز از دیگری است.

1-2. مفهوم اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

یکی از اصول حاکم بر مسئولیت کیفری، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. به موجب این اصل، تنها شخص مرتکب جرم مسئولیت کیفری دارد و مجازات می‌شود. مفهوم حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ارتباط نزدیکی با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دارد. از این رو پرداختن به این اصل، امری مفید و حائز اهمیت می‌باشد.

اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، بدین معناست که هیچ کس را نمی‌توان برای فعل یا ترک فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. به عبارت دیگر، هر انسانی باید شخصا پاسخگوی پیامدهای رفتاری که از او سر زده است باشد و ممکن نیست که این بار را بر دوش دیگری نهاد. اصل مذکور علاوه بر حقوق داخلی در حقوق کیفری بین‌المللی نیز اصلی شناخته شده و حائز اهمیت است و از مطالعه اسناد بین‌المللی چنین بر می‌آید که از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری فردی یاد شده است. به اعتقاد برخی از حقوق دانان،¹ اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری همان اصل فردی بودن مسئولیت کیفری است، در حالی که عده‌ای دیگر از حقوق دانان² این دو اصل را اصلی متمایز از یکدیگر دانسته و اعتقادشان بر این است که هر یک از این اصول دارای محتوا و مضمونی خاص و متمایز از دیگری است. از نظر نگارندگان، چنانچه گفته

1. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد 2، چاپ سی و دوم، تهران، نشر میزان، 1392، صص. 134-131.

2. حسین جانی، بهمن؛ مظاهری تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، مجمع علمی و فرهنگی مجد، 1389، ص. 29.

شود منظور از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری آن است که مجازات تنها بر فرد مسئول (عاقل، بالغ، آگاه و مختار) اعمال می‌شود نه هر فردی که مرتکب جرم شده است (مطابق با نظر برخی حقوق‌دانان)¹ در این صورت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مفهومی متمایز از اصل فردی بودن مسئولیت کیفری خواهد داشت. اما چنانچه گفته شود مطابق این اصل هر فردی مسئول رفتار ارتكابی از جانب خویش است و نمی‌توان هیچ کس را مسئول رفتار دیگری شناخت در این صورت مفهوم اصل شخصی بودن و اصل فردی بودن مسئولیت کیفری را می‌توان منطبق بر هم دانست (در برابر اصل جمعی بودن مسئولیت کیفری).

نکته قابل توجه در رابطه با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری آن است که، باید بین این اصل و اصل شخصی بودن مجازات‌ها تفکیک قائل شد، چرا که شخصی بودن مجازات اثر و نتیجه اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. بدین معنا که ابتدا باید مسئولیت کیفری محرز شود و آن گاه مجازات اعمال گردد. به عبارت دیگر «از آنجایی که مسئولیت کیفری پدیده‌ای مقدم بر مجازات است، تا زمانی که دادرسی، آن را احراز نکند مجازات اعمال‌شدنی نیست و هنگامی که این مسئولیت احراز شد، آن گاه دادرسی باید برای مجرم مجازات تعیین کند».² بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که فردی فاقد مسئولیت کیفری باشد تعیین و اعمال مجازات در مورد وی امکان‌پذیر نیست.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، از اصول بنیادین حقوق جزا به شمار آمده و دارای ارتباط نزدیکی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. البته این نکته را باید در نظر داشت که هر یک از این اصول قلمرو حکومت جدا از دیگری دارد. بدین معنا که قلمرو اصل شخصی بودن مجازات‌ها مرحله اجرای حکم است، در صورتی که قلمرو اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مرحله دادرسی و محاکمه است. اگرچه در اغلب تألیفات حقوقی، در کشور ما تفاوتی میان اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن مجازات‌ها لحاظ نشده است.

تفکیک این دو اصل منجر به درک دقیق‌تر مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری می‌گردد. زیرا زمانی که گفته می‌شود اصل، شخصی بودن مجازات است و استثنائاً ممکن است شخص دیگری به غیر از بزهکار بار مجازات را به دوش بکشد، این گفته لزوماً بدین معنا نیست که شخص مذکور جزائاً مسئول است. این امر نشان‌دهنده قلمرو حکومت اصل شخصی بودن مجازات‌ها در مرحله اعمال مجازات است. حال آنکه

1. گلدوزیان، ایرج؛ حسین‌جانی، بهمن، مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان، شماره 15 و 16، مجله تخصصی الهیات و حقوق، 1383، ص. 133.
2. همان، ص. 132.

در رابطه با کسانی که مسئول رفتار دیگری شناخته می‌شوند وضع متفاوت است. بدین گونه که مسئول کیفری رفتار دیگری باید خود شخصاً در دادگاه حاضر و برای جرمی که در ارتکاب آن به ظاهر مداخله مادی نداشته است محکوم و این محکومیت در سجل کیفری او ثبت شود. در اینجا اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری که به موجب آن هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است، مؤاخذه می‌گردد از اصول حاکم بر دادرسی است. زیرا مسئول کیفری رفتار دیگری هر چند در اجرای جرم عملاً سهمی نداشته و حتی قصد بر ارتکاب جرم نکرده است ولی دست کم باید با پدید آوردن وضعی پیش از جرم ارتکاب آن را ممکن یا به عبارتی تسبیب کرده باشد.¹ بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که شاید بتوان مجازات به علت رفتار دیگری را تا حدی استثنا بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها به حساب آورد، لیکن در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری چنین به نظر نمی‌آید که از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری تخطی شده باشد.

2. مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری مقام مافوق (فرماندهی)

2-1. مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری

آشنایی با مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری اعم از مسئولیت مدنی و کیفری، از جهت شناسایی و تبیین فلسفه این مسئولیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری، با توجه به این که رفتار دیگری موجب بروز خسارت شده است، بحث «جبران خسارت» مطرح می‌گردد و فرد مسئول، تنها مسئول جبران خسارت وارده از جانب دیگری می‌باشد. در حالی که در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر، از آنجایی که رفتار صورت‌گرفته جرم می‌باشد، بحث از «مجازات شخص مسئول» در قبال رفتار دیگری به میان می‌آید، شخصی که ظاهراً دخالتی در ارتکاب رفتار مجرمانه نداشته است. به همین خاطر پرداختن به مبانی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از جهت آشنایی با فلسفه تحمیل این مسئولیت بر شخص مسئول و پاسخگویی به این سؤال که آیا می‌توان شخصی را که نه مرتکب رفتار مجرمانه شده و نه درانجام آن معاونت یا مشارکت داشته است، به خاطر رفتار

1. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، صص. 135-131.

دیگری مجازات کرد، به نسبت مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

حقوق دانان کشورمان در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و با هدف انطباق این نوع مسئولیت با ارکان و مفهوم مسئولیت کیفری، نظریه‌هایی را مطرح ساخته‌اند که در این میان نظریه خطر و نظریه خطا نسبت به سایر نظریه‌ها شناخته‌شده‌تر هستند. نظریه‌های طرح‌شده در این زمینه را می‌توان تحت عنوان مبانی عقلی یا مبانی نظری مورد بررسی قرار داد. این مبانی نظری علاوه بر اینکه موجبات توجیه حقوقی این نوع مسئولیت را فراهم می‌آورد، موجد معیار و ملاکی برای تعیین حدود مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر نیز خواهند بود.

بر اساس نظریه خطر، هر کس که از سود و منفعت کاری بهره‌مند می‌شود باید زیان و خطر آن کار را هم بپذیرد. مدافعان این نظریه بر این عقیده‌اند که ثروت و قدرت بیشتر یعنی قبول مسئولیت سنگین‌تر. بنابراین، سرمایه‌داران، مدیران و کارفرمایان مؤسسات صنعتی و کارخانه‌ها، که هر یک بنا به جایگاه اداری و اجتماعی نسبت به کارگران و نیروهای خود، در طلب کسب مزایا و امتیازهای بیشتری هستند، باید خطرهای برخورداری از این مزایا و امتیازها را بپذیرند.¹ از دیدگاه برخی از اساتید حقوق، این نظریه مبتنی بر عدالت و انصاف است بدین نحو که شخصی که ذینفع اصلی می‌باشد و از کار و فعالیت افرادی منتفع می‌شود، باید مسئولیت مضار احتمالی این اعمال را نیز بپذیرد.² به طور کلی در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری بر مبنای نظریه خطر می‌توان گفت که مسئولیت کیفری از این جهت متوجه کارفرمایان، مدیران و ... می‌شود که آنها علاوه بر اینکه استفاده‌کننده از کار زبردستان خود هستند، بلکه نسبت به آنها در صدد کسب مزایای بیشتری نیز می‌باشند. لذا در صورت بروز رفتار مجرمانه از سوی زبردستانشان باید پاسخگو باشند. در واقع بنابر این نظریه موقعیت شخص مسئول است که منجر به مسئول شناخته شدن وی به دلیل رفتار مجرمانه زبردستانش می‌شود.

نظریه خطا مؤید این امر است که منشأ مسئولیت کیفری کارفرمایان و مدیران مؤسسات را باید در تخطی شخصی خود آنها جست‌وجو کرد. به عبارت دیگر، مبنای حقیقی مسئولیت کیفری این اشخاص که به دلیل فعل غیر تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند، اهمال در انجام دادن وظیفه مراقبت بر افعال دیگری و عدم نظارت بر رعایت

1. همان، ص. 139.

2. سلیمی، صادق، چکیده حقوق جزای عمومی، انتشارات جاودانه، جنگل، 1392، ص. 138.

مقرراتی است که شخصاً به عنوان مدیر، کارفرما و ... اجرای آن را برعهده گرفته‌اند.¹ از گفته ایشان می‌توان چنین استنباط کرد که فردی که مسئولیت اداره مکانی یا انجام کاری را بر عهده دارد، باید نسبت به اعمال و رفتار زیردستان خود نظارت کافی داشته باشد و تعلیمات کافی را به آنها بدهد. اگر چنین نشد و در انجام وظیفه خود کوتاهی کرد، مسئول است و در واقع مسئولیت وی در درجه اول به لحاظ خطایی است که خود مرتکب شده است. به عبارت دیگر، در توجیه نظریه خطا می‌توان گفت که افرادی که وظیفه نظارت را بر عهده دارند، در صورت عدم نظارت درواقع زمینه وقوع جرم را فراهم می‌کنند. بنابراین اگرچه نقش آنها در به وقوع پیوستن جرم، نقشی فرعی است، اما به جهت از بین بردن زمینه‌های وقوع جرم، قانون‌گذار سعی می‌کند که حتی بعیدترین نقش‌ها را هم در وقوع جرم بررسی کند. مبنای مسئولیت کیفری این افراد که از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری یاد شده است نیز همین امر است. در انتها، در رابطه با مبانی نظری مسولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، ذکر دو نکته ضروری است:

نخست آنکه اگرچه در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که نظریه‌های مباشر معنوی و سبب اقوی از مباشر را نیز می‌توان به عنوان مبنای عقلی یا نظری مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در نظر گرفت. چنانچه در کتاب دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری) دکتر محسنی به نقل از استفانی و لواسور آمده است که «... نظریه خطا از بسیاری از جهات به نظریه مسئولیت مباشر معنوی جرم شبیه است. همان‌گونه که در مسأله مباشرت معنوی جرم، شخص مباشر معنوی، خود عملی را انجام نمی‌دهد و موجب می‌گردد که دیگری مرتکب جرم گردد، در اینجا نیز بدون آنکه مدیر یا کارفرما عملی را شخصاً انجام دهد، به علت اهمال در انجام وظایف خویش موجبات تحقق جرم را فراهم می‌آورد.» لیکن توجه به این نکته ضروری است که تنها نقطه مشترک میان مباشر معنوی جرم یا شخصی که سبب اقوی از مباشر به حساب می‌آید و کارفرما یا مدیر مسئول آن است که هیچکدام دخالتی در عملیات مادی جرم ندارند. لیکن تفاوت بارزی که میان آنها وجود دارد این است که مدیر یا کارفرما با اهمال در وظیفه نظارت (مطابق نظریه خطا)، به طور غیرمستقیم زمینه بروز جرم را فراهم می‌آورند و (همان‌گونه که در ادامه بدان اشاره می‌گردد) نقش آنها در بروز جرم نقشی فرعی است در حالی که مباشر معنوی یا فرد مسبب نه تنها مستقیماً در بروز جرم

1. اردبیلی، محمدعلی، «مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 16 و 17، پاییز 1374 تا بهار 1375، ص. 234.

دخالت دارند بلکه واجد قصد مجرمانه نیز هستند اما به جای آنکه عمل مادی جرم توسط این افراد صورت بگیرد توسط دیگری صورت می‌پذیرد. بنابر آنچه گفته شد، مبنای مسئولیت این افراد با مسئولیت افرادی (مدیر یا کارفرمایی) که بنابر موقعیت و جایگاه ویژه‌ای که از آن برخوردار هستند (نظریه خطر) و یا به دلیل عدم نظارتی که منجر به رفتار مجرمانه می‌گردد (نظریه خطا) و بدون هیچ‌گونه قصد مجرمانه‌ای مسئول رفتار مجرمانه زبردستانشان شناخته می‌شوند، متفاوت است. از این رو، به عقیده نگارنده، از این دو نظریه نمی‌توان جهت توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری (به عنوان مبنای نظری) استفاده کرد.

نکته دوم آنکه از نظر نگارندگان، نظریه خطا، به نسبت نظریه خطر به دلیل آنکه تا حدودی منطبق بر مفهوم اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است توجیه مناسب‌تری برای مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به نظر می‌رسد. مسئول شناخته شدن فرد به دلیل ترک فعلی که مرتکب شده است - یعنی عدم نظارت بر رفتار زبردست خود - در مقایسه با مسئولیت وی به خاطر جایگاهی که از آن برخوردار است، اعم از این که مرتکب تقصیر شده است یا خیر منطقی‌تر به نظر می‌رسد. چنانچه در ماده 142 قانون مجازات اسلامی 1392 نیز نظریه خطا مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است.

2-2. مبانی مسئولیت کیفری مقام مافوق (فرماندهی)

قابل ذکر است که در رابطه با مبنا و فلسفه تحمیل مسئولیت کیفری بر مقام مافوق یا فرمانده نظامی به خاطر رفتار مجرمانه زبردستانشان نیز دلایل و نظرات متعددی مطرح گردیده است که پرداختن به آنها در کنار مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در ادامه مهم‌ترین این دلایل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

- پذیرش داوطلبانه سمت از سوی مقام مافوق.
- برخورداری مقام مافوق یا فرماندهان نظامی از تمام اختیارات و امکانات، اعم از قدرت متوقف ساختن دستور خود، و همچنین وسایلی جهت پیشگیری از ارتکاب جنایات و یا منع اقدامات در شرف انجام.
- پذیرش اصولی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از سوی حقوق‌دانان حقوق کیفری بین‌المللی.

نخستین دلیل قابل استناد این است که مقامات مافوق داوطلبانه سمت خود را می‌پذیرند و بنابراین، می‌توان فرض کرد که آگاهانه به وظایف خود که به موجب حقوق

بین‌المللی به آنها محول گردیده و با مسئولیت آنها متناسب است، رضایت دارند.¹ از این دیدگاه می‌توان چنین استنباط کرد که صرف آگاهی و رضایت مقامات مافوق نسبت به وظایف محوله به ایشان، موجب مسئول شناخته شدن آنان در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان می‌گردد. ایرادی که می‌توان به این دلیل وارد کرد این است که اگرچه آگاهی فرمانده نسبت به وظایفش جهت مسئول شناخته شدن وی لازم است اما نمی‌تواند کافی باشد چرا که مطابق با اسناد بین‌المللی، علی‌رغم آگاهی باید توانایی انجام وظایف یعنی توانایی جلوگیری و یا مجازات زیردستان خود را نیز داشته باشد. بنابراین صرف رضایت و آگاهی فرمانده از وظایف خوش نمی‌تواند به تنهایی توجیه مناسبی برای مسئولیت وی شناخته شود.

دلیل دومی که در توجیه تحمیل مسئولیت کیفری بر مقام مافوق یا فرمانده نظامی یا کسی که به این عنوان عمل می‌کند مطرح شده این است که وی دارای تمام اختیارات و امکانات، اعم از قدرت متوقف ساختن دستور و یا امر خود است و نیز برخوردار از کلیه وسایلی است که به کمک آنها می‌تواند هم از ارتکاب جرایم پیشگیری کند و هم اقداماتی را که در شرف انجام است، مانع شود. در رویه عملی دیوان کیفری بین‌المللی نیز با توجه به پرونده یاماشیتا، مافوق به عنوان قلب عملیات و تصمیم‌گیرنده اصلی در نظر گرفته شده است که امکان هرگونه تصمیم و اقدام برایش وجود دارد. بر این اساس رویکردی درخصوص ماهیت دکترین مسئولیت کیفری مقامات مافوق تحت عنوان رویکرد مسئولیت مطلق² اتخاذ شده است.³

با توجه به آنچه گفته شد و همچنین با در نظر گرفتن تعریف مسئولیت مطلق می‌توان گفت که در واقع حقوق‌دانان با ارائه این رویکرد خواسته‌اند از طریق نوعی مسئولیت بدون تقصیر، مبنای حقوقی برای تحمیل مسئولیت بر مقامات مافوق در قبال اعمال زیردستان خود بیابند. البته توجه به این نکته ضروری است که تحمیل این مسئولیت سنگین بر مقام مافوق بر اساس مسئولیت بدون تقصیر نه تنها عادلانه نیست، بلکه با آنچه که در اسناد بین‌المللی در رابطه با مسئولیت مقام مافوق در نظر گرفته شده است نیز همخوانی ندارد. در اسناد بین‌المللی بر کوتاهی کردن مقام مافوق در اتخاذ اقدام ضروری و معقول برای جلوگیری از ارتکاب جرم یا مجازات مرتکب آن جهت

1. آقای جنت‌مکان، حسین، محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی)، انتشارات گنج دانش، 1385، ص. 51.

2. به عنوان یک اصل کلی در حقوق جزا، در تحمیل مسئولیت بر اساس اصل مسئولیت مطلق، نیازی به اثبات عنصر روانی اعم از عمد یا غفلت نیست.

3. اردبیلی، محمدعلی، حقوق کیفری بین‌المللی (گزیده مقالات)، تهران، نشر میزان، سال 1383، ص. 148.

مسئول شناخته شدن وی، تأکید شده است؛ حال آنکه بر اساس رویکرد مسئولیت مطلق، مقام مافوق در هر دو حالت (تقصیر یا عدم تقصیر) مسئول شناخته می‌شود. از این رو استناد به رویکرد مسئولیت مطلق در توجیه مسئولیت کیفری مقام مافوق منطقی به نظر نمی‌رسد.

یکی دیگر از دلایلی که در توجیه مسئولیت کیفری مقامات مافوق قابلیت طرح می‌یابد، پذیرش اصولی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از سوی حقوق‌دانان است. اگرچه، مسئولیت کیفری مقامات مافوق را نوعی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر دانستن، درمیان حقوق‌دانان حقوق کیفری بین‌المللی موافقان^۱ و مخالفانی^۲ دارد، لیکن از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است:

از یک طرف مواد 7(3) و 6(3) اساسنامه‌های دیوان‌های موقت با گنجاندن مسئولیت مافوق تحت عنوان کلی «مسئولیت کیفری فردی» به گونه‌ای مؤید این ادعا هستند که مسئولیت کیفری مقامات مافوق در واقع شکل متمایز و ویژه‌ای از همان مسئولیت کیفری فردی است. پیش‌نویس قانون جنایات علیه صلح و امنیت بشری 1996 نیز مسئولیت فرماندهی را به عنوان شکلی از مسئولیت کیفری فردی می‌داند.^۳ علاوه بر این برخی از نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی^۴ نیز از این دیدگاه طرفداری کرده و تصریح نموده‌اند که مسئولیت کیفری فرماندهی یک جنبه مهم از مسئولیت کیفری فردی - هرچند غیر مستقیم - است.

از طرف دیگر در رابطه با دلیل سوم، می‌توان به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشاره کرد. اساسنامه مزبور بر خلاف اساسنامه‌های دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا، در دو ماده جداگانه مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت مقامات مافوق (فرماندهی) را بر شمرده است. در ماده ۲۸ این اساسنامه، مقام مافوق (اعم از فرمانده نظامی یا غیرنظامی) در صورتی نسبت به جرایمی که توسط نیروهای تحت فرماندهی یا کنترل آنها ارتکاب یافته مسئول شناخته شده‌اند که کنترل لازم را نسبت به زیردستان خود اعمال نکرده و علی‌رغم آگاهی از این که جرم واقع شده یا قریباً به وقوع خواهد پیوست،

1. Lippman, Matthew, The Evolution and Scope of Command Responsibility, Leiden Journal of International Law. Vol. 13, 2000, p. 139

2. گرسیوس از مخالفان جدی توجیه مسؤولیت مقامات مافوق بر اساس مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر است. رک:

- Bassiouni, Cherif, op. cit., p. 400.

3. Draft Code of crimes against the peace and security mankind 199, Art. 6.

4. به عنوان مثال رک: اردبیلی، محمدعلی، حقوق بین‌الملل کیفری، منبع پیشین، ص. 149. ایشان معتقد است که مسئولیت مافوق، از اصل مسئولیت کیفری فردی که دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ آن را شناخته‌اند، منشأ گرفته و در ماده 6-3 اساسنامه رواندا آمده است.

همه اقدامات لازم و معقولی را که در توان داشته برای جلوگیری یا منع از ارتکاب جرم به عمل نیاورده است. مسئول شناخته شدن مافوق به دلیل عدم کنترل را می‌توان تا حدودی مشابه نظریه خطا در حقوق داخلی دانست؛ با این تفاوت که مطابق نظریه خطا، صرف عدم نظارت جهت مسئول شناخته شدن مسئول کیفری به علت رفتار دیگری کافی است. حال آنکه در این ماده علاوه بر عدم کنترل اولیه مقام مافوق علت‌های اصلی دیگری جهت مسئول شناخته شدن مافوق وجود دارد. نکته حائز اهمیت آن است که اگرچه در مواد 7(3) و 6(3) اساسنامه‌های یوگسلاوی و رواندا به عبارت عدم کنترل و نظارت مقام مافوق اشاره‌ای نشده است، لیکن با توجه به اینکه مواد مذکور و ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی علت‌های اصلی یکسانی را جهت مسئولیت کیفری مقام مافوق مورد توجه قرار داده‌اند، می‌توان چنین گفت که در واقع در مواد 7(3) و 6(3) اساسنامه‌های مذکور، عدم کنترل از جانب مقام مافوق مفروض است. در تمامی این مواد، این امر که مقام مافوق یا فرمانده می‌دانسته یا باید می‌دانسته که نیروهای تحت امر او در حال ارتکاب جرم هستند، یا جرم را مرتکب شده‌اند و از اتخاذ اقدامات ضروری و معقول جهت جلوگیری از جرم و یا مجازات زبردستان خود کوتاهی نموده‌اند، مورد تأکید واقع شده است.

از نظر نگارنده، در رابطه با رویکرد سوم این نکته را باید در نظر گرفت که اگرچه مسئول شناخته شدن مقام مافوق در وهله اول به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه محوله و ترک فعلی است که مرتکب شده، و از این نظر موافق با مسئولیت کیفری فردی است، ولی از آنجا که این مسئولیت در ارتباط با رفتار مجرمانه زبردست قابلیت طرح می‌یابد و همچنین با در نظر گرفتن این احتمال که چنانچه مقام مافوق وظیفه خود را با انجام اقدامات لازم جهت جلوگیری از جرم یا مجازات زبردستانش به عمل می‌آورد، رفتار مجرمانه‌ای از جانب زبردست به وقوع نمی‌پیوست و در واقع کوتاهی وی زمینه بروز جرم را فراهم کرده است، می‌توان مسئولیت مافوق را همانند مسئولیت کارفرما (با توجه به نظریه خطا) نوعی مسئولیت غیرمستقیم در نظر گرفت که در اثر کوتاهی و تقصیر مافوق به وجود آمده است. بنابراین این رویکرد به نسبت دو رویکرد دیگر در توجیه مسئولیت کیفری مقام مافوق منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

از مقایسه مطالب گفته‌شده در رابطه با مبانی مسئولیت‌های مذکور، چنین بر می‌آید که در حقوق داخلی در صورت اتکا به نظریه خطا در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، شخصی که وظیفه نظارت بر رفتار دیگری را بر عهده دارد به صرف عدم نظارت مسئول شناخته می‌شود. حال آنکه در اسناد بین‌المللی (به عنوان مثال، ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه‌های دیوان کیفری

بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق) مقام مافوق در صورتی مسئول شناخته می‌شود که علی‌رغم اطلاع از وقوع جرم توسط زیردستانش، در صورت توانایی، اقدامات لازم و معقول را جهت جلوگیری از رفتار مجرمانه یا مجازات مرتکب آن معمول ندارد. به عبارت دیگر در مقایسه با حقوق داخلی، می‌توان علت اصلی مسئولیت کیفیری مقام مافوق را ترک فعل جلوگیری از انجام رفتار مجرمانه مأموران زیردست و عدم مجازات آنها در صورت داشتن توانایی دانست و چنین گفت که صرف عدم کنترل مقام مافوق بر زیردستانش که تحت کنترل یا اقتدار مؤثر او قرار دارند، شرط لازم جهت تحقق مسئولیت کیفیری به حساب می‌آید ولی کافی نیست. همین نکته را می‌توان به عنوان نقطه قوت اسناد بین‌المللی در شناسایی مبنای مسئولیت کیفیری مقام مافوق در نظر گرفت، که در حقوق داخلی مورد توجه قرار نگرفته است. درست است که مطابق نظریه خطا، کارفرما یا مدیر مسئول با کوتاهی در امر نظارت زمینه بروز جرم را فراهم می‌سازد اما بهتر آن بود که همانند حقوق بین‌المللی توانایی این افراد نیز در انجام وظیفه نظارت و جلوگیری از وقوع جرم مد نظر قرار می‌گرفت.

3. شرایط مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفیری مقامات مافوق

به منظور تحقق مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری و هم چنین مسئولیت کیفیری مقامات مافوق وجود شرایطی ضروری است که در صورت عدم تحقق این شرایط، مسئولیت‌های مذکور قابل تصور نخواهند بود. در ادامه به بررسی هر یک از این شرایط به طور جداگانه پرداخته شده است.

3-1. شرایط تحقق مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری

با توجه به اینکه مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری قائم بر دو شخص است، لذا تحقق آن مستلزم اجتماع شروطی در افعال مباشر جرم و همچنین افعال مسئول کیفیری به علت رفتار او است. مجرمانه بودن رفتار، ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه و عمدی نبودن نقض مقررات را می‌توان از مهم‌ترین شروط افعال مباشر جهت تحقق مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری به حساب آورد. البته لازم به ذکر است که در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شرایط مذکور احصا نگردیده‌اند بلکه این شرایط دستاورد دکترین حقوقی موجود در در زمینه مسئولیت کیفیری ناشی از رفتار دیگری است. به بیان دیگر می‌توان گفت که ماده 142 شروط افعال مسئول کیفیری ناشی از رفتار دیگری که برای تحقق مسئولیت مذکور ضروری است را مورد توجه قرار داده

است. قانون‌گذار در این ماده یکی از دو شرط زیر را جهت تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ضروری دانسته است:

- 1- به طور قانونی مسئول اعمال دیگری بودن شخص. به عنوان مثال: مسئول بودن کارفرما در برابر رفتار زبردست خود به موجب قانون.
- 2- مرتکب تقصیر شدن شخص در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری. به عنوان مثال: تقصیر اولیا و سرپرستان قانونی اطفال و مجانین در حفظ و نگهداری یا مراقبت از آنها.

در ادامه سایر شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در ارتباط با رفتار مباشر اصلی جرم، مورد بررسی قرار گرفته است.

3-1-1. مجرمانه بودن رفتار

نخستین شرط تحقق این مسئولیت بنابر اصل قانونی بودن جرم و مجازات، فعل یا ترک فعل مادی قابل مجازات دیگری است. یعنی رفتار صورت گرفته از ناحیه دیگری، به عنوان مباشر و مرتکب اصلی باید از نظر قوانین جزایی کشورها جرم شناخته شده و قابل مجازات باشد تا بتوان مسئول کیفری به خاطر رفتار دیگری را مسئول شناخت. بنابراین می‌توان گفت که وقوع رفتار مجرمانه توسط دیگری، بنای این نوع مسئولیت را تشکیل می‌دهد.

3-1-2. ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه

یکی دیگر از شروط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری آن است که وقوع جرم غیرعمدی از ناحیه مرتکب در حین انجام وظیفه او صورت گرفته باشد. بنابراین هر گاه کارگری در غیر مواردی که مشغول انجام وظیفه می‌باشد بر اثر بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی مرتکب جرم غیرعمدی شود، مسئولیت شخصی که موظف به مراقبت از اعمال او بوده، در اینجا موضوعاً منتفی است. این شرط در مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ در آنجا که به موجب ماده 12 قانون مسئولیت مدنی، کارفرما مسئول جبران خساراتی شناخته شده که توسط کارکنان اداری یا کارگران وی در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. در این زمینه می‌توان به مقاله پروفیسور لاسپروگاتا¹ اشاره کرد. در مقاله وی تحت عنوان «زندگی مجازی و مدیریت خطر سازمان یافته برای استفاده شخصی کارمند از

1. Lasprogata, Gail Ann, *Weblife and Organizational Risk Management for Employee Personal Web Use*, Seattle University, 2015, p. 2.

شبکه» چنین آمده است: «اصول حقوق نمایندگی کار فرما را در قبال رفتارهای مضر و اشتباه کارمندان که در محدوده شرح وظایف آنها رخ داده باشد، مسئول می‌شناسد». در قسمت دیگر این مقاله آمده است «مسئولیت نیابتی، در جایی که کارمند به خاطر اهداف شخصی خود به طور قابل توجهی از وظایفش منحرف شده باشد در رابطه با شخص کارفرما مطرح نمی‌گردد». آن چنان که از این نظریه مستفاد می‌گردد، چنانچه کارمند، خارج از حدود وظایف خود مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شود، کارفرما مسئولیتی در قبال آن نخواهد داشت.

3-1-3. عمدی نبودن نقض مقررات مربوطه

نقض مقررات مربوطه عمدی نباشد. بدین معنا که مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مربوط به جرایمی که دیگری به صورت عمدی انجام می‌دهد، نمی‌باشد و معمولاً در جرایم غیرعمد متصور است. به بیان دیگر، شخصی که عمداً جرم را انجام داده خود باید بار مسئولیت را به دوش بکشد. بنابراین در صورتی که تخلف مباشر از مقررات عمدی باشد مسئولیت کیفری متوجه مدیر نمی‌شود.

یکی از استادان حقوق در خصوص جایگاه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در جرایم غیرعمدی چنین می‌نویسد: «... از این که مسئول کیفری در دادرسی فقط پاسخگوی غفلت خود در اجرای وظیفه نظارت و مراقبت خواهد بود، منطقیاً چنین نتیجه می‌شود که نمی‌توان او را جز به سبب جرایم غیرعمدی (تخلف) دیگری محکوم کرد. زیرا، در جرایم عمدی تصور قبول مسئولیت کیفری در قبال رفتار دیگری دشوار است. چنین به نظر می‌رسد که تقصیر عمدی مباشر اصلی جرم، تقصیر ناشی از غفلت و بی‌مبالاتی مسئول کیفری رفتار دیگری را بی‌تأثیر می‌گرداند. با این همه، در نظام قانون‌گذاری کشورمان، پذیرفتن مسئولیت کیفری به علت رفتار عمدی دیگری بی‌سابقه نیست.»^۱ در واقع، در رابطه با این شرط می‌توان چنین گفت که اگرچه در دکترین، غیرعمدی بودن نقض مقررات مربوطه، به عنوان یکی از شروط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در نظر گرفته شده است، اما با این حال در قوانین جزایی کشورمان موادی که مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را مورد بررسی قرار داده‌اند، غیرعمدی بودن فعل مباشر اصلی تصریح نگردیده است.

در رابطه با شرط فوق‌الذکر، می‌توان به ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز اشاره کرد. این ماده مقرر می‌دارد: «هر گاه در جنایات عمدی، به علت مرگ یا فرار،

1. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص. ۱۴۲.

دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد و در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا ...» همان گونه که مشاهده می‌گردد در این ماده، قانون‌گذار عاقله را در برابر رفتار عمدی مرتکب، مسئول شناخته و وی را محکوم به پرداخت دیه کرده است. این امر ممکن است در نگاه اول مغایر با شرط عمدی نبودن نقض مقررات به نظر برسد، حال آنکه در توجیه می‌توان چنین گفت که در این ماده در واقع جنبه جبران خسارت بودن دیه مورد توجه قانون‌گذار بوده و ماده ۴۳۵ مغایرتی با شرط مذکور ندارد.

نکته قابل توجه در ارتباط بین شرط حاضر با شرط نخست این است که تنها در صورتی مسئول کیفری برای رفتار غیرعمدی دیگری مجازات می‌شود که غیرعمدی بودن یک رفتار جرم شناخته شود و در صورت عدم جرم شناخته شدن رفتار غیرعمدی نمی‌توان شخص را مسئول شناخت که البته جرم شناختن یک رفتار غیرعمدی استثنا است و نیاز به تصریح دارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شرط سوم تا حدودی دامنه تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را محدود می‌کند.

در آخر به عنوان جمع‌بندی باید گفت که لازم است تمامی شرایط فوق‌الذکر به طور همزمان در رفتار مرتکب اصلی جرم (دیگری) وجود داشته باشند تا مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری تحقق یابد. به بیان دیگر تنها زمانی که دیگری در حین انجام وظیفه مرتکب یک رفتار غیرعمدی که توسط قانون جرم‌انگاری شده است، بشود، شخصی که وظیفه نظارت بر رفتار وی را داشته است به عنوان مسئول کیفری ناشی از رفتار دیگری واجد مسئولیت شناخته می‌شود.

3-2. شرایط تحقق مسئولیت کیفری مقامات مافوق

در اسناد بین‌المللی و همچنین رویه قضایی بین‌المللی، سه شرط اساسی برای تحقق مسئولیت کیفری مافوق در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

1- وجود رابطه مافوق - مادون. نخستین شرط برای تحقق دکترین مسئولیت کیفری مافوق، وجود رابطه بین مقام مافوق به عنوان مسئول کیفری و زیردست او که مرتکب واقعی جرم مورد نظر است - در زمان وقوع جرم - می‌باشد.

قابل ذکر است که در هیچ یک از اسناد بین‌المللی، مافوق و مادون تعریف نشده‌اند. آنچه در تعریف اصلاحات مزبور گفته می‌شود صرفاً مبتنی بر وجود خصوصیات و ویژگی‌های مشترکی است که در اسناد بین‌المللی در مورد آنان آمده است. مافوق شامل فرماندهان نظامی، رهبران سیاسی و سایر مقامات ارشد دولتی می‌شود. شرح

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مافوق - مادون را به شرح زیر تعریف می‌کند: هر کس که یک مافوق دارد که می‌تواند کار او یا فعالیت‌های مربوط به کار او را هدایت کند، می‌تواند یک مادون نسبت به او باشد ...¹

می‌توان رابطه مافوق - مادون را یک شرط اساسی دکترین مسئولیت مافوق (فرماندهی) در اساسنامه دیوان‌های موقت و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به شمار آورد.

2- علم واقعی یا اعتباری از طرف مافوق نسبت به جرایم ارتكابی یا در حال ارتكاب از سوی زیردستان. این شرط در مواد (7) 3 و (6) 3 اساسنامه‌های دیوان یوگسلاوی سابق و دیوان رواندا با این عبارت که «چنانچه او می‌دانسته یا دلایلی وجود داشته که می‌دانسته است که زیردست در حال ارتكاب چنین جرایمی است یا قبلاً این جرایم را انجام داده است ...» مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین ماده 28 (الف) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز با این عبارت که فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام می‌دهد «می‌دانسته یا با توجه به اوضاع و احوال زمان ارتكاب جرم باید می‌دانسته ...» این شرط را مورد توجه قرار داده است.

3- قصور از اتخاذ (انجام) اقدامات لازم برای جلوگیری یا مجازات زیردستان.² این شرط نیز مانند دو شرط قبلی در اساسنامه‌های دیوان‌های موقت و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

در رابطه با شرط حاضر در برخی از متون حقوقی چنین آمده است: «دکترین مسئولیت کیفری مقامات مافوق (فرماندهی)، زمانی ثابت می‌شود که فرماندهان نظامی از ممانعت مؤثر، توقیف یا مجازات جرایم جنگی زیردستان خود کوتاهی کنند. در این شرایط فرمانده ممکن است به خاطر جرایم زیردستان خود مجازات شود.»³

ماده 28 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص این شرط در مورد مقامات مافوق نظامی و غیرنظامی مقرر داشته است:

الف -

1.

1. آقای جنت مکان، حسین، منبع پیشین، ص. 58.

2. همان، ص. 56.

3. Dunnaback, Jeremy, Command Responsibility: a Small — Unit Leaders Perspective, North Western University Law Review, vol. 108, 2014, p. 1385.

2. فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام می‌دهد از اتخاذ اقدامات ضروری و معقولی که در حدود توانایی‌اش است، به منظور جلوگیری از جرم یا منع از انجام آن یا برای طرح مسأله نزد مقامات صالح به منظور تحقیق و تعقیب قصور کرده است.

ب -

1.

2.

3. مقام مافوق (غیرنظامی) از اتخاذ همه اقدامات ضروری و معقولی که در حدود توان اوست به منظور جلوگیری یا منع ارتکاب (جرایم) یا گزارش موضوع (جرم) به مقامات صالح برای تحقیق و تعقیب کوتاهی ورزیده است. همان گونه که مشاهده می‌گردد، اساسنامه دیوان در مورد اتخاذ اقدامات ضروری و معقول تفاوتی میان مقامات نظامی و غیرنظامی قائل نشده است.

آن چه از مقایسه شرایط لازم جهت تحقق دو مسئولیت مذکور بر می‌آید این است که مسئولیت کیفری مقامات مافوق (فرماندهی) در قبال رفتار زیردستانشان همانند مسئولیت ناشی از رفتار دیگری متشکل از دو شخص است. یک شخص مقام مافوق و شخص دیگر مأمور مادون. به همین دلیل جهت تحقق این مسئولیت وجود شرایطی هم در رفتار مافوق و هم در رفتار مأمور ضروری است. لیکن در حقوق کیفری بین‌المللی، چه در اسناد بین‌المللی و چه در دکترین مسئولیت کیفری مقامات مافوق، بر خلاف حقوق داخلی (که شرایط رفتار دیگری (مباشر جرم) در دکترین مربوط به مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگر مورد بحث قرار گرفته است) اشاره‌ای به شرایطی که باید در رفتار مأمور زیردست جهت تحقق این مسئولیت وجود داشته باشد، نشده و بیشتر شرایط ضروری موجود در رفتار مافوق مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی، از این جهت که ناظر بر رفتار شخص مسئول و مباشر اصلی جرم به طور هم زمان است نسبت به حقوق کیفری بین‌المللی که شرایط را تنها از جنبه مقام مافوق مورد بررسی قرار داده است تکامل یافته‌تر است.

با این حال می‌توان شروط مربوط به رفتار مباشر جهت تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را تا حدودی به رفتار مأمور زیردستی که منجر به مسئول کیفری شناخته شدن مقام مافوق گردیده است، تسری داد.

به عنوان مثال در رابطه با شرط اول یعنی مجرمانه بودن رفتار ارتكابی می‌توان گفت که در آن دسته از اسناد بین‌المللی که مسئولیت کیفری مقام مافوق در قبال

جرایم زیردستانشان مورد توجه قرار گرفته، به عبارت جرم در صلاحیت دیوان اشاره گردیده و مقام مافوق را در قبال آن دسته از جرایم زیردستان که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان مربوطه است دارای مسئولیت کیفری شناخته است. بنابراین همان گونه که در حقوق داخلی رفتار صورت گرفته از ناحیه دیگری، به عنوان مباشر و مرتکب اصلی باید از نظر قوانین جزایی کشورها قابل مجازات باشد تا بتوان مسئول کیفری به خاطر رفتار دیگری را مسئول شناخت. در اسناد بین‌المللی نیز مجرمانه بودن رفتار ارتكابی از سوی زیردستان مورد پذیرش قرار گرفته است. با این تفاوت که رفتار ارتكابی نه تنها باید جرم باشد بلکه باید رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان باشد تا بتوان مقام مافوق را در قبال آن مسئول شناخت. به عبارت دیگر در حقوق داخلی صرف این که رفتار ارتكابی به موجب قوانین جرم و قابل مجازات شناخته شود (در کنار مابقی شرایط) جهت مسئول شناخته شدن مسئول کیفری به علت رفتار دیگری کافی است حال آنکه در حقوق کیفری بین‌المللی علاوه بر این که رفتار ارتكابی از سوی زیردست باید جرم باشد بلکه رسیدگی به آن نیز باید در صلاحیت دیوانی باشد که مسئولیت کیفری مقامات مافوق را در اساسنامه خود به رسمیت شناخته است.

نتیجه‌گیری

اگرچه مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری، در حقوق کشورمان، به عنوان اصلی مستقل مورد پذیرش قرار گرفته و در قانون مسئولیت مدنی از آن یاد شده، اما در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به دلیل مواجه شدن با امر مجازات، آن هم مجازات شخصی که در ظاهر دخالتی در جرم ارتکاب یافته نداشته است، پذیرفتن این قسم از مسئولیت به عنوان اصلی مستقل با مشکل روبرو شده و موافقان و مخالفانی را به خود اختصاص داده است. با مطالعه متون و قوانین جزایی و همچنین با اتکا بر نظریات مطرح شده در زمینه توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری (به‌ویژه نظریه خطا) می‌توان چنین استنباط کرد که صلاحدید قانون‌گذار از تأسیس چنین نهادی، القای مسئولیت نظارت به شخص مافوق بوده است. یکی از موضوعات مهم حقوق جزای بین‌الملل که تا حدودی می‌توان آن را مشابه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی دانست، مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان است. در هر دو مسئولیت، عدم نظارت و کنترل شرط لازم جهت مسئول شناخته شدن مقام مافوق و شخص ناظر در نظر گرفته شده است. با این تفاوت که در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری با تکیه بر نظریه خطا، صرف عدم کنترل و نظارت منجر به مسئولیت کیفری شخص ناظر می‌گردد. بنابراین در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، عدم نظارت شرط لازم و کافی است و می‌توان مسئولیت کیفری کارفرما، مدیر مسئول و ... را به دلیل کوتاهی و غفلت آنان در انجام وظیفه نظارت ثابت دانست؛ در حالی که در اسناد بین‌المللی و در رابطه با مسئولیت کیفری مقام مافوق صرف عدم کنترل برای مسئول کیفری شناختن شخص مافوق کافی نیست. به طور کلی می‌توان گفت که اگرچه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری دارای ماهیتی مستقل از مسئولیت کیفری مقامات مافوق است ولی با این حال شاید بتوان این تأسیس را تا حدودی منطبق بر نهاد مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان در نظر گرفت. لازم به ذکر است که با توجه به میزان اهمیت مقامات مافوق در اسناد بین‌المللی و در نظر گرفتن پیشرفت روزافزون جوامع بشری و به وجود آمدن برخی جرایم بین‌المللی جدید در عصر تکنولوژی‌های برتر، لزوم انجام تحقیقات گسترده‌تر در زمینه مسئولیت کیفری مقامات مافوق بیش از پیش احساس می‌گردد.

در آخر بر اساس آنچه گفته شد، پیشنهادهای نوشتار حاضر که شامل پیشنهادهایی کاربردی است، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

- 1- با توجه به اهمیت تشخیص مسئولیت کیفری از نظر حقوق جزای اسلامی، ارائه تعریف دقیق از مسئولیت کیفری توسط قانون‌گذار به منظور رفع اختلاف نظر موجود در میان حقوق دانان ضروری به نظر می‌رسد.
- 2- در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یکی از مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، می‌توان گفت که با در نظر گرفتن این امر که ماده 143 قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته و شرایط آن را احصا کرده است، بهتر آن است که علاوه بر تبصره ماده 20 که عدم مجازات اشخاص حقوقی عمومی (اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی) در زمان اعمال حاکمیت، مورد توجه قرار گرفته است، به عدم مسئولیت کیفری این اشخاص به هنگام اعمال حاکمیت نیز در ذیل ماده 143 قانون مجازات اسلامی 1392 توسط قانون‌گذار اشاره شود.
- 3- جهت درک بهتر مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری، علاوه بر احصای شرایط تحقق این نوع مسئولیت، در ماده 142 قانون مجازات اسلامی 1392، ارائه تعریف دقیق از مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در این ماده توسط قانون‌گذار ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- آشوری، محمد، «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، شماره 7، 1384.
- آقای جنت‌مکان، حسین، محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی)، انتشارات گنج دانش، 1385.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد 2، چاپ سی‌ودوم، تهران، نشر میزان، 1392.
- _____، «حقوق کیفری بین‌المللی (گزیده مقالات)»، تهران، نشر میزان، سال 1383.
- _____، «مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 16 و 17، پاییز 1374 تا بهار 1375.
- حسین‌جانی، بهمن؛ مظاهری‌تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، مجمع علمی و فرهنگی مجد، 1389.
- حسین‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، 1389.
- ساکی، محمدرضا، حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)، جلد 2، انتشارات جنگل، 1392.
- سلیمی، صادق، چکیده حقوق جزای عمومی، انتشارات جاودانه، جنگل، 1392.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد 2، تهران، انتشارات مجد، 1392.
- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی؛ تحصیل‌دوست، فریدون، قانون مجازات اسلامی 1392.
- صالح‌ولیدی، محمد، حقوق جزا (مسئولیت کیفری)، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1383.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد 2، انتشارات گنج دانش، 1376.
- عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ دوم، نشر میزان، 1394.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، 1357.
- فیض، رضا، «قهر مطبوع» و جزای مطلوب در عرفان ابن عربی، چاپ نخست، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی - زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی)، بنیاد حقوقی میزان، 1392.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، نشر میزان، 1385.
- کشاورز چافجیری، پژمان، مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران و حقوق تطبیقی (انگلستان و فرانسه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تیرماه 1381.
- گلدوزیان، ایرج؛ حسین‌جانی، بهمن، مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان، شماره 15 و 16، مجله تخصصی الهیات و حقوق، 1383.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)، جلد سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، 1376.
- میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، جلد اول، تهران، نشر میزان، 1383.

– میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، 1390.

– نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ 31، تهران، انتشارات گنج دانش، 1390.

- Akande, Dapo, the Jurisdiction of the International criminal court over nationals of non- parties: legal basis and limits, Journal of International Criminal Justice, vol. 1, 2003.
- Ashworth, Andrew; Horder, Jeremy, Principles of Criminal Law, Oxford University Press, 2013.
- Barker, David; Padfield, Colin, Law Made Simple, London, Routledge, 2007.
- Bassiouni, Cherif, Crimes against Humanity in International Criminal Law, Kluwer Law International, 2010.
- Clarkson, C.M.V, Understanding Criminal Law, London, Sweet & Maxwell, 2005.
- Dunnaback, Jeremy, Command Responsibility: a Small – Unit Leaders Perspective, North Western University Law Review, vol. 108, 2014.
- Lasprogata, Gail Ann, Weblife and Organizational Risk Management for Employee Personal Web Use, Seattle University, 2015.
- Lippman, Matthew, The Evolution and Scope of Command Responsibility, Leiden Journal of International Law. Vol. 13, 2000.
- Vark, Rene, Superior Responsibility, Article in the ENDC Proceedings, vol. 15, 2012.